

بررسی حکمرانی مردم پایه با تکیه بر تجارب موفق پس از انقلاب شکوهمند اسلامی

ابوطالب مطلبی ورکانی^۱، مجید عسکری سیار^۲

^۱ دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم دریایی امام خمینی (ره) - نوشهر abu.m@yahoo.com

(دانشگاه علوم دریایی امام خمینی (ره) - نوشهر)

^۲ دانشجوی دکترای مهندسی مکانیک دانشگاه صنعتی شاهرود ma.askary@shahroodut.ac.ir

(دانشگاه علوم دریایی امام خمینی (ره) - نوشهر)

چکیده:

انقلاب شکوهمند اسلامی، به عنوان پدیده‌ای که بر اساس ارزش‌های دین با تکیه به روش‌ها و شیوه‌های نوین مردم سالاری، شکل گرفت والگوی جدید از مقاومت و مبارزه با استبداد و استعمار را به نمایش گذاشت، الگوی جدیدی از حکمرانی در عرصه قدرت، سیاست و حاکمیت را متجلی و شکل جدیدی از تاثیرگذاری و متفاوت از کارکرد تاریخی مزبور را بنا نهاد و نوعی از جریان احیاء، بیداری فکری و ایدئولوژیک را سامان داد و هدایت کرد. جمهوری اسلامی، برای اولین بار اصطلاح امت اسلامی به عنوان یک مفهوم انقلابی را وارد ادبیات سیاسی جهان کرد. در همین چارچوب تفکر حکمرانی منطقه‌ای به شکل نوین را در دستور کار قرار داد و فرایند تبدیل شدن به یک قدرت اثرگذار را اختیار کرد که امروز پس از چهار دهه توانسته است به عنوان الگوی مسلط منطقه جایگاه خود را تعریف کند. الگویی که با وجود فشارهای برون‌زا و مداخله‌گر مزاحم توانست به تقویت موقعیت و توسعه نفوذ خود ادامه دهد و حوزه نفوذ منطقه‌ای خود را به حوزه جهانی اسلام ارتقا دهد. ایران نوین در شرایط فعلی نظم نوینی را نوید می‌دهد که بنیادهای معادلات سیاسی و امنیتی موجود را در اشکال نرم و سخت با چالش‌های جدی و بی‌سابقه مواجه کرده است. در این مقاله به بررسی حکمرانی مردم سالار بر اساس رویدادهای پس از انقلاب اسلامی می‌پردازیم.

واژگان کلیدی:

مقام معظم رهبری، حکمرانی اسلامی، مردم سالاری دینی، انقلاب اسلامی

۱- مقدمه

کشور ایران به عنوان یک کشور به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک بر تحولات بین‌المللی اثر گذار بوده است. این ویژگی‌ها باعث شده که کشورمان منطقه‌گرایی را محور سیاست خود قرار دهد. ایران توانست در زمینه‌های تاثیرگذاری فکری، صدور تفکر مقاومت و مبارزه با استعمار نوین و استبداد و بازگشت به اسلام در ادوار مختلف به نوعی اعمال مدیریت کند. مدیریت کشورهای تازه استقلال یافته عربی و اسلامی، به ترتیب در جریان مشروطه، ملی شدن صنعت نفت و نهضت ۱۵ خرداد ۴۲ از نمونه های تاریخی نقش هدایتگری ایران است. در این مقاطع جریان تاثیرگذار جدایی از سیاست‌های دولت و حاکمان بود، که از ناحیه علمای دین و روشنفکران مذهبی و بعضاً ملی مدیریت می‌شد. چرا که در این مقاطع به ویژه در عصر پهلوی دولت بیشتر از بیرون (پیروی از مدل آتاتورک در ترکیه) الگو می‌گرفت. انقلاب اسلامی از همان اوان شکل‌گیری سیاست خارجی خود را با محوریت شعار نه شرقی و نه غربی برای جنبش‌های آزادی بخش تعریف کرد و با اعلام رسمی حمایت از نهضت‌های رهایی بخش و تبدیل آن به اصل قانونی، خود را به عنوان هدایتگر صادق معرفی کرد. رهبران جنبش‌های اسلامی با الگو پذیری از این تعبیر امام(ره) که فرمودند: «دشمن مشترک ما امروز اسراییل و آمریکا و امثال این‌هاست که می‌خواهند حیثیت ما را از بین ببرند و ما را تحت ستم دوباره قرار بدهند. این دشمن مشترک را دفع کنید» هم‌نوایی خود را با اهداف ضد استعماری و ضد استکباری رهبر انقلاب اسلامی اعلام کردند.

حکمرانی اسلامی با تکیه بر مردم سالاری به عنوان یک آگاهی جمعی با تکیه به اراده عمومی و متأثر از اسلام اصیل تحت مدیریت جمهوری اسلامی در شرایط کنونی تبدیل به رفتار سیاسی شده و در شکل یک ایده سیاسی سامان داده شده است. تئوریزه شدن این نهضت فکری مرحله فرمولیته‌ای را پشت سر گذاشته و به عنوان یک مدل سیاسی رخ نموده است. به طوری که، شرایط کاملاً نسبت به یک دهه گذشته متحول شده است. وضعیت معادلات منطقه در حرکت رو به پیش خود همسو با منافع و مصالح اسلام و جنبش‌های اسلامی و کاملاً به ضرر غرب در حال رقم خوردن است. این موج فزاینده نهضتی، در صدد شکستن موانع نهضتی غرب برای رسیدن به یک جامعه دین محور است.

این مسئله خود باعث تغییر موازنه قدرت در میان جنبش‌های اسلامگرا به نفع جنبش های شیعه با پشتوانه فرهنگی انقلاب اسلامی شده است. نکته پایانی این که جبهه‌بندی فکری و رفتار سیاسی جدیدی میان جریانها و جنبش‌های اصیل اسلامی با آمریکا و جریان‌های وابسته به آن شکل گرفته است و یک نوع نبرد فرهنگی و عقیدتی و سیاسی با آمریکا رخ عیان کرده است. جهان اسلام با غرب در مرحله فینال نبرد به سر می‌برد، مرحله‌ای سرنوشت ساز که نیاز به درایت و مدیریت هنرمندانه و خود محور دارد. غرب به عنوان نماد جبهه لیبرالیسم در مرحله نهایی کارکرد سیاسی و مدیریتی‌اش قرار دارد و در نقطه اوج منحنی رشد خود، دوران افول را آغاز کرده است. به همین دلیل در موضع دفاع انفعالی قرار دارد اما نهضت بیداری، در آغاز خیزش انقلابی، به سرعت حرکت تکاملی را تجربه می‌کند، حرکتی که هر چه پیش می‌رود به چشم‌انداز آرمانی خود نزدیک می‌شود و به همین دلیل بر عکس لیبرالیسم و جبهه غرب که در تمام ابعاد سیاسی، فکری و حتی نظامی در موضع نقد و تهاجم مدبرانه قرار دارد، حکمرانی اسلامی با اعتماد به نفس تمام در حال ویران سازی بنیادهای سیاسی و حقوقی دست‌ساز غرب در منطقه

است. مقام معظم رهبری از این روش حکومتی به "مردم‌سالاری دینی" تعبیر نموده‌اند: "مردم‌سالاری دینی، دارای دو وجه است که یک وجه آن نقش مردم در تشکیل حکومت و انتخاب مسئولات و وجه دیگر آن رسیدگی به مشکلات مردم است که بر همین اساس، مسئولان باید مشکلات مردم را به طور جدی پیگیری و رسیدگی نماید." مردم‌سالاری اسلامی یا دموکراسی اسلامی، به نوعی ایدئولوژی سیاسی اشاره می‌کند که در پی به کار بستن اصول اسلامی در سیاست‌گذاری عمومی در قالب دموکراسی است. نظریه سیاسی اسلامی، ویژگی‌های اصلی مردم‌سالاری اسلامی را تعیین می‌نماید: نخست اینکه رهبران باید توسط مردم انتخاب شوند و دوم نظام تابع شریعت باشد. [۱]

۲- بیانات مقام معظم رهبری بر مفهوم مردم‌سالاری در حکومت اسلامی

مبانی و اصول حکمرانی مردم‌سالار دینی در دیدگاه مقام معظم رهبری بعنوان نظریه‌پرداز مردم‌سالاری دینی، اشاره می‌شود تا دیدگاه بدیل اسلامی در مقابل دموکراسی غربی بازنموده شود.

نظام سیاسی، موظف است به نیازهای مشروع مردم پاسخ گوید و کار در راه خدا و برای خدمت به مردم را سرلوحه اعمال خود قرار دهد. اهمیت "خدمتگزاری" تا بدان‌جاست که مقام معظم رهبری از آن به مثابه "عبادت" یاد کرده که حکومت با بسیج تمامی توانائی‌هایش در تحقق آن کوچکترین کاهلی نباید روا دارد:

"تکلیف و وظیفه مسئولان در نظام جمهوری اسلامی ایران، بکارگیری تمام توان برای خدمت به مردم است." [9] در نظام اسلامی، کارگزاران، نه تنها مکلف به رفع نیازمندی‌های مردم هستند، بلکه افزون بر آن موظفند این کار را بدون هیچ‌گونه منعی به انجام رسانند. به عبارت دیگر، نظامی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی است که در آن، رسیدگی به حوائج مردم بدون منت، صورت پذیرد و چنانچه کارگزاران اسلامی در رسیدگی به احوال مردم، رعایت این اصل را ننمایند، اگر چه به مشکلات مردم رسیدگی کرده‌اند، اما حقیقت مردم‌سالاری دینی را درک ننموده‌اند. "منت نگذاشتن به مردم در قبال کارهای انجام شده، مبالغه نکردن در گزارش عملکردها، پرهیز از دادن وعده‌های بدون عمل، خودداری از خودمحوری و خودخواهی در قبال مردم، و ندادن دستور و امر و نهی به مردم به واسطه برخورداری از مقام و منصب، تلاش برای کسب رضایت مردم و خودداری از کسب رضایت صاحبان قدرت و ثروت، از جمله وظایف مهم مسئولان نظام اسلامی است." [2]

بنابراین اولین اصلی که "مردم‌سالاری دینی" بر آن استوار است، کسب رضایت مردم است و برای این کار، نظام باید بتواند خالصانه به پی‌گیری امور مردم بپردازد و از این طریق، تصویری زیبا از نظامی خدمتگزار را به نمایش گذارد. رهبر انقلاب این معنا از خدمتگزاری را به مثابه یک اصل از "مردم‌سالاری دینی" کراراً مورد توجه قرار دارد، در جایی به صراحت اظهار داشته‌اند:

"در نظام مردم‌سالار دینی، رسیدگی به امور مردم، تأمین رفاه و آسایش و حل مشکلات آنان،... یک اصل مهم است." [3]

اهمیت این اصل تا بدان‌جاست که ایشان در تقسیم‌بندی وجوه دوگانه "مردم‌سالاری دینی" به دو وجه تأسیسی و تحلیلی خدمتگزاری را تجلی عینی و واقعی وجه تحلیلی دانسته و از آن به‌عنوان عاملی مهم در تقویت پیوند بین ملت و دولت یاد کرده و حتی بر وجه تأسیسی، راجع می‌دانند:

"وجه دیگر نظام مردم‌سالاری دینی، وظایف جدی مسئولان و دولتمردان در قبال مردم است. تبلیغ و جنگال برای گرفتن رأی از مردم و سپس به فراموشی سپردن آنان و عدم پاسخگویی به مردم، با مردم‌سالاری دینی سازگار نیست." [4]

چنان که از عبارت فوق برمی‌آید، یک نظام مردم‌سالار از دیدگاه اسلام، نظامی است که افزون بر اتکا بر آراء عمومی نسبت به تعهداتش در قبال مردم، وفادار بوده و به صرف وعده‌دادن، بسنده ننماید. چنین خط مشی است که رضایتمندی مردم را به ارمغان آورده و رضایت خالق را نیز کسب می‌نماید. اجتماعی این دو رضایتمندی (خالق و مخلوق) است که جوهره منحصر بفرد مردم‌سالاری دینی را شکل می‌دهد:

"رضایت خداوند و مایه افتخار نظام جمهوری اسلامی، کار برای خدمت به مردم است."

به عبارت دیگر، در اندیشه سیاسی اسلام، همه - اعم از حاکمان و مردم - موظف هستند تا به ارزش‌ها و احکام الهی گردن نهند و چنان نیست که کسی و یا گروهی بتوانند پای خود را فراتر از حدود الهی گذارند. بر این اساس، مردم‌سالاری دینی در چارچوب اصول و ارزش‌های اسلامی، معنا و مفهوم می‌یابد. در خصوص دموکراسی نیز این مطلب صادق است و مشاهده می‌شود که ارزش‌های حاکم در گفتمان سیاسی غرب، تماماً در الگوی غربی از دموکراسی، تجلی دارند. لذا چون گفتمان سیاسی، تغییر کند معنای مردم‌سالاری نیز تحول می‌یابد ولی در هر حال، معنا مبتنی و ملتزم به متن و گفتمانی است که واژه از آنجا روییده است. با عنایت به همین مطلب فلسفی است که رهبر انقلاب، گفتمان اصلی جامعه را گفتمان اسلامی ارزیابی می‌کنند: "تلاش‌هایی می‌شود که مسایل غیر اصلی، اصلی وانمود شود، خواسته‌های غیر حقیقی یا حقیقی اما درجه دو به‌عنوان گفتمان اصلی ملی وانمود بشود. لیکن گفتمان اصلی این ملت اینها نیست. گفتمان اصلی ملت، این است که همه، راه‌هایی را برای تقویت نظام، اصلاح کارها و روش‌ها، گشودن گره‌ها، تبیین آرمان‌ها و هدف‌ها برای آحاد مردم، استفاده از نیروی عظیم ابتکار و حرکت و خواست و انگیزه و ایمان این مردم و راه به سمت آرمان‌های عالی این نظام که همه را به سعادت خواهد رساند، پیدا کنند." [5]

به عبارت دیگر خواست مردم، تحقق نظام اسلامی است، نظامی که در آن، ارزش‌های اسلامی، حاکمیت دارند و این خواست است که حیطه و گستره مردم‌سالاری را مشخص می‌سازد. هدف انقلاب اسلامی، تحقق نظام اسلامی و خواسته مردم، ارایه صحیح تفکر اسلامی و تعمیق آن در جامعه است. بنابراین چارچوب ارزشی همچنان حفظ شده و مردم‌سالاری دینی هیچگاه از در تعارض با دین و ارزش‌ها و اصول آن در نمی‌آید. همین معنا از مردم‌سالاری دینی است که به طور مشخص آنرا از دموکراسی غربی جدا می‌نماید. در مردم‌سالاری دینی، خواست مردم، متوجه تحقق و تحکیم مبانی و اهداف عالی دین است و چنان نیست که بر نفی و یا تضعیف آن تعلق بگیرد که در آن صورت، مردم‌سالاری، محتوای ارزشی خود را از دست می‌دهد و اطلاق وصف دینی بر آن صحیح نیست. تاکید مقام معظم رهبری بر ضرورت پاسداشت ارزش‌های دینی توسط مسئولان و آحاد ملت، با تاکید بر همین وجه از مردم‌سالاری دینی صورت پذیرفته است و این که در حوزه ارزش‌های جای تسامح و مجامله‌ای وجود ندارد: "مسئولان به نام اسلام، برای اسلام، با پیام اسلام، شجاعانه، قدرتمندانه و بدون ملاحظه از این و آن، هم

موضع‌گیری کنند، هم حرف بزنند و هم عمل بکنند. مردم عزیزمان و بخصوص جوانها هم به برکت غدیر، بدانند این راهی که اسلام و قرآن و خط غدیر، ترسیم کرده، یک راه روشن است. راهی است که با استدلال و فلسفه محکم ترسیم شده و روندگان بسیار بزرگ و عظیم المنزلی پیدا کرده است" [6].

مراجعه به رای مردم و تلاش در راستای پاسخگویی به نیازمندی‌های مشروع ایشان، که دو بعد مهم مردم‌سالاری دینی را تشکیل می‌دهد، از آن رو، ضروری است که خداوند، مردم را در این دو زمینه، صاحب حق قرار داده است. بنابراین نظام اسلامی، نه از باب لطف بلکه از باب وظیفه، مردم‌سالاری دینی را گردن نهاده و به اجرا می‌گذارد: "در نظام اسلامی، اداره کشور به معنای حاکمیت کسی یا کسانی بر مردم و حق یک جانبه نیست بلکه حق دو جانبه است و حق طرف مردم، کفه سنگین‌تر آن است."

تعبیر فوق با صراحت بر ولی نعمتی مردم دلالت دارد و این که حق مردم در مقام مقایسه با حق کارگزاران به مراتب بیشتر است، بنابراین توجه به خواست و رسیدگی به نیازهای مردم، یک وظیفه است. مردم‌سالاری دینی در این معنا، دلالت بر "صاحب حق" بودن مردم دارد و نظام، موظف است حق مردم را ادا نماید و در غیر آن صورت باید در پیشگاه مردم و خداوند پاسخگو باشد.

۳- نقش ساختاری مردم سالاری در نظام حکومتی بعد انقلاب اسلامی

یکی از دستاوردهای پر افتخار و ماندگار چهل سال حیات نظام سیاسی جمهوری اسلامی، تحقق «مردم‌سالاری» است. در چهل سال گذشته، تقریباً در هر یک یا دو سال انتخابات در ایران برگزار شده است که ثمره آن هم روی کار آمدن دولت‌هایی با گرایش‌های مختلف سیاسی در چهار دهه اخیر بوده است. از دید گاه تاریخ و مطالعات جامعه شناسی سیاسی؛ موثرترین عامل عدم توسعه سیاسی در ایران طی قرن گذشته، تمرکز بیش از اندازه قدرت در نهاد حکومت و کمرنگ شدن نقش احزاب و سازمان‌های مردم نهاد به عنوان نهادهای توزیع کننده قدرت در جامعه بود.

گذشته سیاسی ایران پیش از پیروزی انقلاب نشان می‌دهد ساختار قدرت سیاسی ایران در برهه‌های فراوان تاریخی چنان در قوم و قبیله‌ای نهادینه شد و از پدر به پسر رسید که مردم اعتماد خود را به آن از دست دادند. این تجمع قدرت در دستان گروهی خاص، اجازه نقد از آن گروه را از جامعه گرفت، مردم به مکانیسم سیاست بی‌اعتماد شدند، احزاب به دلیل همین بی‌اعتمادی پشتوانه اجتماعی خود را از دست دادند و با تضعیف جایگاه احزاب به عنوان نهادهای توزیع قدرت این تمرکز قدرت از اقتدار مشروع فاصله گرفت.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی دوران تازه‌ای از مشارکت سیاسی با تکیه بر نقش مردم آغاز شد که برگزاری رفراندوم انتخاب نظام جمهوری اسلامی نخستین تجربه در این فرآیند نظام‌سازی مردم‌سالاری بود. درخصوص دخالت عمومی افراد جامعه در تعیین سرنوشت جامعه خود، نظریات مختلفی از سوی اندیشمندان اسلامی مطرح شده است.

بطور کلی در زمینه ارزش آرای عمومی در نظام مردم‌سالاری دینی دو نظریه مطرح است:

نظریه اول معتقد است: در چارچوب موازین اسلامی، مشارکت عمومی و استناد به آرای اکثریت برای تعیین تمام موارد و مصادیق سیاسی، تکلیفی دینی است و به مشارکت در برخی موارد و نفی مشارکت در برخی دیگر منحصر نمی‌شود.

بر اساس این نظریه در موارد متعددی انتخاب مستقیم به انتخاب با واسطه تبدیل می‌شود؛ نظیر انتخاب رهبری که به دلیل اهمیت بسیار بالای آن و تضمین انتخاب مطمئن، از انتخاب مستقیم توسط مردم به شکل انتخاب خبرگان توسط مردم و انتخاب رهبر توسط خبرگان درآمده یا نظیر انتخاب وزرا و بسیاری از هیات‌های انتخابی نظام در امور سیاسی مختلف که برای پرهیز از مراجعه زود به زود به آرای عمومی، که تقریباً محال است، به انتخاب نمایندگان مجلس یا هیات دولت یا وزیران که خود منتخب مجلس اند، واگذار شده است.

نکته مهم این است که بر اساس این نظریه، تمام مصادیق رفتار سیاسی در نظام مردم‌سالاری دینی، به نوعی مستند به مشارکت عمومی و مبتنی بر آرای عمومی است که از مصادیق بارز و مهم توسعه سیاسی به شمار می‌رود. نظریه دوم معتقد است که استناد به آرای اکثریت در گستره مشارکت سیاسی عمومی در نظام حاکمیت اسلامی، محدود به پاره‌ای از موارد و مصادیق رفتار سیاسی است و بخش وسیعی از موارد مزبور را در بر نمی‌گیرد. طبق این نظریه، دین‌شناسان و متخصصان در موارد بسیاری می‌توانند به خوبی از عهده تشخیص رفتار سیاسی صحیح و در چارچوب موازین اسلامی برآیند و لذا، نیازی به استفاده مکرر از مشارکت عمومی در موارد مذکور نیست. [۱۱]

این نظریه، مشارکت سیاسی عمومی را محدود به موارد کاملاً عرفی و عادی نظیر انتخاب نمایندگان مجلس می‌داند و فرض نمایندگان انتصابی در کنار نمایندگان انتخابی را نیز کاملاً موجه می‌داند و در مواردی، نقش و مشارکت عمومی را ضروری نمی‌داند که البته این نظر با قانون اساسی جمهوری اسلامی ناسازگار است. به عنوان مثال سبک مدیریت فرماندهان جوان دفاع مقدس توانست الگوی تازه‌ای از مدیریت مردم‌پایه را در کشور ایجاد کند که مبتنی بر ارزش‌های بومی و داخلی است.

مطالعه ابعاد مختلف دفاع مقدس و به ویژه مطالعه عملکرد و شیوه‌های رفتاری سرداران و فرماندهان آن به عنوان مدیران و اداره کنندگان دفاع مقدس، می‌تواند سرمشق و سرلوحه مدیران امروزی قرار گرفته و در اعتماد به جوانان و ایجاد تحول در امور اداره کشور موثر واقع شود. رهبر انقلاب در باره اهمیت مردمی بودن فرماندهان جوان دفاع مقدس می‌فرمایند:

"از مسأله دفاع مقدس که در این کشور اتفاق افتاد، غافل نشوید؛ کار بزرگی انجام گرفت. آن جوان‌ها مثل شماها بودند؛ اکثر این جوان‌هایی که در جنگ نقش‌های مؤثر ایفا کردند، از قبیل همین دانشجویها بودند و خیلی‌هایشان هم جزو نخبه‌ها بودند". [۸] آنها یک مشت جوان مؤمن بودند که در برهه بسیار حساسی آن کار را انجام دادند که اگر آن کار را نمی‌کردند، امروز بخشی از کشور شما هم رفته بود و حکومتی هم که در ایران بود، حکومت شکست خورده ضعیف تحقیر شده ذلیلی بود که ناچار بود هرچه دیگران می‌گویند - نه بزرگ‌ها و گردن کلفت‌های دنیا، بلکه این خرده‌ریزه‌های دور و اطراف حتی - تحمل کند. امروز یک کشور عزیز، قدرتمند و یک ملت سربلند و دولتی مقتدر در کشور شماست که تصمیم‌گیرهای دنیا ناگزیرند و اقرار می‌کنند که نظر جمهوری اسلامی را باید

در مسائل مهم و حساس جهانی ملاحظه و رعایت کنند. این به برکت آن فداکاری‌یی است که آن جوان‌ها کردند؛ به یاد آن جوان‌ها باشید.

۴- انتخابات در دوران بعد از انقلاب و تأیید حکمرانی مردم پایه

نظام جمهوری اسلامی ایران و قانون اساسی آن نیز ضمن تأکید بر اهمیت موضوعات یاد شده و نیز مشارکت مردمی و نقش حیاتی اراده و خواست مردم در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی، انتخابات و رجوع به آرای مردم را یکی از اصلی‌ترین قالب‌های مشارکت همگانی برمی‌شمارد. همین پشتوانه فکری، فلسفی و قانونی است که سه دهه گذشته از انقلاب اسلامی و برپایی حکومت دینی را نمایشگاه برپایی قریب به سی انتخابات سراسری رقم زده است؛ مسأله‌ای که شاید به جرأت بتوان گفت در تمامی سیستم‌های سیاسی موجود بی‌همانند است. از دیدگاه مقام معظم رهبری مشارکت در عرصه انتخابات و رأی‌دهی فراتر از یک حق حقوقی و قانونی محض که در دموکراسی‌های غربی به آن تکیه می‌شود تلقی می‌گردد. رأی‌دادن به عنوان یکی از شناخته شده‌ترین اشکال مشارکت سیاسی از جایگاه ویژه‌ای در ادبیات جامعه‌شناسی سیاسی برخوردار است. این کنش سیاسی به مثابه دال از مدلول‌های متفاوتی در گفتمان‌های مختلف برخوردار است. در گفتمان مردم‌سالاری دینی رأی‌دادن صرفاً کنش سیاسی نیست، بلکه امر شرعی و دینی است و از این رو، نوعی تکلیف شرعی در نظر گرفته می‌شود. این در حالی است که رأی‌دادن در گفتمان دموکراسی غربی امر و وظیفه شهروندی محسوب می‌شود. در گفتمان دموکراسی غربی همواره از رأی‌دادن به عنوان کم‌اهمیت‌ترین نوع مشارکت سیاسی نام برده می‌شود، در حالی که در گفتمان مردم‌سالاری دینی، رأی‌دادن از جمله واجبات و وظیفه شرعی است. در نگاه دینی؛ این کنش اجتماعی و سیاسی علاوه بر آنکه حق قانونی افراد است، به عنوان یک عمل عبادی و فریضه‌ای الهی به حساب می‌آید که در نتیجه نیاز به قصد قربت دارد. نقطه‌نگاهی که از یک عملیات سیاسی عرفی محض در نظام‌های سکولار، یک رفتار سیاسی عبادی هدفمند و پویا می‌سازد و این گونه است که «هر کس که به خاطر تثبیت نظام و به خاطر انجام وظیفه، رأی در صندوق انداخته است و... پیش خدا مأجور است.» [۱۵] و به عبارت دیگر «شرکت و حضور در انتخابات برای مردم، هم یک فریضه سیاسی است، هم یک فریضه دینی... این مهمترین مسأله در باب انتخابات است؛ یعنی حضور مردم.» [۱۶]

بسیار روشن و واضح است که در همه نظام‌های سیاسی مردم‌سالار، میدان انتخابات و فضای رقابتی ناشی از آن گاه به پاره‌ای از ناهنجاری‌ها و ناملازمات و حواشی نامطلوب در حوزه روابط اجتماعی دامن می‌زند که عدم مهار آگاهانه و مدبرانه آن گاه شیرینی برگزاری انتخابات را به تلخی چند دستگی‌ها و کشمکش‌ها و نزاع‌های سیاسی اجتماعی و گاه حتی درگیری‌های فیزیکی هواداران تبدیل می‌کند. این مسأله در نظام‌های لیبرال دموکراسی غرب که قدرت طلبی و مقام‌خواهی، ارتباط تنگاتنگ با پول و سرمایه و در بهترین صورت در خدمت تأمین رفاه حداکثری مادی شهروندان قرار دارد) شاید چندان عجیب به نظر نرسد. اما در نظام مردم‌سالاری دینی که رأی‌دادن در آن به عنوان تکلیف شرعی، اخلاقی و ملی قلمداد شده و هدف غائی از به دست آوردن قدرت و حاکمیت،

خدمت به خلق خدا و تأمین سعادت هر دو جهان انسان ها است، این گونه کنش ها، گفتارها و رفتارهایی، غیر معقول و گاه حتی در تضاد با اهداف حاکمیت دینی جلوه می نماید.

۵- دفاع مقدس، فرصتی برای بازخوانی سبک حکمرانی بر پایه مردم سالاری دینی

در وضعیت کنونی کشور که به اذعان مسئولان دولت، جوان سازی مدیریت در دولت به یک ضرورت تبدیل شده و مورد توجه بسیاری از حامیان دولت نیز قرار گرفته است و با توجه به پیوند دانش و تجربه در جوانان متخصص و متعهد کشور اهتمام به مدیریت جهادی اهمیت زیادی یافته است. از این منظر بازخوانی سبک مدیریتی و جلوه های مدیریت جهادی به خصوص در میان فرماندهان جوان دفاع مقدس می تواند آثار و برکات فراوانی داشته باشد. مسلماً دوران دفاع مقدس فرصت مغتنمی برای بازخوانی سبک مدیریتی فرماندهان جوان دفاع مقدس است تا با آشنایی نسل امروز و حتی یادآوری برخی از افرادی که ممکن است باور به آثار این الگوی مدیریتی را از دست داده باشند تحرک تازه ای به شیوه اداره کشور و حل مشکلات داده شود و به خصوص اهداف اقتصاد مقاومتی محقق شود.

دفاع مقدس دورانی است که توانست خیل عظیمی از منابع انسانی را با خود همراه کند و شخصیت های بسیار موفق سازمانی پدید آورد. بررسی این سیر تعالی نیروها، دستاوردهای خوبی برای حوزه منابع انسانی سازمانی و سرلوحه ای مناسب برای مدیریت آینده کشور و بشریت خواهد بود و می توان گفت که یکی از نتایج آن، ایجاد الگوی مطلوبی از مدیریت منابع انسانی است که توسط همین جوانان و مردمان مرزوبوم و در عصر حاضر رقم خورده است.

در این چارچوب سخنان فرماندهان دوران هشت سال جنگ تحمیلی ایران و عراق و مستندات این زمینه حاکی است که در سازمان جنگ، الگوی مطلوبی از مدیریت منابع انسانی سازمانی وجود داشته است و بررسی و تحقیق در این زمینه، یافته های مناسبی را در پیشبرد مدیریت منابع انسانی خواهد داشت.

۶- نتیجه گیری

حکمرانی یا شیوه حکومت بر پایه مردم سالاری دینی، اصطلاح تازه ای در گفتمان سیاسی دنیا است که در بستر مبانی سیاسی اسلام و متأثر از آموزه های نبوی و علوی، روییده و بر آن است تا ضمن پاسداشت حقوق مردم در حوزه سیاست و اداره امور جامعه و پرهیز از الگوهای حکومتی استبدادی، رعایت اصول و مبانی ارزشی را بنماید و بدین ترتیب نظام اسلامی را از الگوهای سکولار غربی تمییز دهد.

برای این منظور در حکومت اسلامی، روش نوینی مورد توجه قرار گرفته که نه استبدادی و نه لیبرالی است. آثار انقلاب اسلامی ایران بر منطقه و نظام بین الملل پیروزی انقلاب اسلامی سبب شد که هم در ساختار و هم در کارکرد نظام بین الملل، تغییر و تحولات اساسی رخ دهد. در ساختار نظام بین الملل با توجه به حاکم بودن نظام دوقطبی در آن زمان، ایجاد جبهه ای جدید که متکی به غرب و شرق نبود، سبب خیزش دوباره جنبش عدم تعهد و ملت های مستقل شد، تا جایی که آنها توانستند در عرصه روابط بین الملل نقش آفرین شوند. در این میان کشورهای

اسلامی نیز با اتکای به هویت تمدنی خود، توانستند تاثیر قابل توجهی بر تحولات بین‌الملل بگذارند. به علاوه، انقلاب اسلامی توانست بازیگران نوینی را در نظام بین‌الملل به منصف ظهور برساند که از جمله آنها جنبشهای آزادی بخش و ملت‌ها هستند که به‌عنوان نقش‌آفرینان جدید، دیدگاه‌های آنها می‌تواند بر دولت‌ها و روابط بین‌الملل تاثیرگذار باشد. انقلاب اسلامی انقلابی بود که ریشه در باورها و اعتقاد مردم مسلمان ایران داشت و از این لحاظ، به ایدئولوژی‌سازی و ایدئولوژی‌پردازی در آن نیاز نداشت. حکمرانی اسلامی مردم پایه براساس بسترها و بافت‌های بومی شکل گرفته بود و از این رو لازم نبود که ایدئولوژی نوینی را به مردم تزریق کند.

چون مردم با اسلام خو گرفته بودند، با همان باورها و ساختارهای ذهنی به مقابله با رژیمی پرداختند که درصدد اسلام‌زدایی برآمده بود. ولی درعین حال خصوصیت عمده انقلاب اسلامی این بود که یک نهضت نرم‌افزاری بود؛ به این معنا که هم می‌توانست در جهت احیا و بازسازی تفکر دینی عمل کند و هم در جهت ارائه یک شیوه جدیدی برای حکومت و حاکمیت که از آن به مردم‌سالاری دینی تعبیر می‌شود. توان نظری انقلاب اسلامی در تلفیق سنت و مدرنیته، جمهوریت و اسلامیت، دین و سیاست، پیوند معنویت و حکومت و به‌طور کلی ایجاد یک نظام مردم‌سالار دینی که بر پایه‌های روشنفکری دینی، جامعه مدنی دینی و خاستگاه‌های نواندیشانه اسلامی استوار بود، حکایت از این دارد که این انقلاب توانست یک تحول فکری ایجاد کند و این تحول فکری در جهت بازسازی تمدن اسلامی بود. تمدنی که ریشه در گذشته داشت، ولی امکان پویایی و تعامل فرهنگی را با سایر تمدن‌ها داشت و این بود که انقلاب اسلامی، واحد تحلیل در روابط بین‌الملل را از دولت و ملت به تمدن ارتقا داد.

انقلاب اسلامی از این لحاظ که پروژه امت‌سازی را که بر اساس حفظ آرمان‌ها، اهداف و ارزش‌ها استوار است دنبال کرد، در جهت تداوم آرمان‌ها، باورها و ارزش‌ها به‌طور مسلم گام بر می‌دارد به عبارت دیگر، چون انقلاب اسلامی انقلابی آرمانی بود و براساس ایده‌آل‌ها شکل گرفته بود، همچنان این ایده‌آل‌ها را مد نظر قرار می‌دهد. مطالعه تحلیلی نقش دفاع مقدس و انتخابات در دوران بعد از انقلاب در این مقاله تاییدی کامل و همه‌جانبه از حکمرانی بر پایه مردم‌سالاری دینی است. صدور انقلاب یک کار ضروری و انقلابی است، اگر در داخل به گونه‌ای عمل شود که کشور انقلابی ایران به عنوان الگویی موفق از حکمرانی اسلامی معرفی شود و چنین روندی موفقیت آمیز خواهد بود.

منابع:

- [۱]. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با جوانان نخبه ۵ مهر ۸۳
- [۲]. تحلیلی بر جنگ تحمیلی عراق علیه ایران؛ انتشارات وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران.
- [۳]. روزنامه جمهوری اسلامی؛ ۳۱ شهریور، دوم و سوم مهر ۱۳۷۰ش؛ «صادر کنندگان مرگ».
- [۴]. صحیفه نور؛ جلد ۲۰؛ ص ۲۳۹.
- [۵]. فرمایشات مقام معظم رهبری
- [۶]. پیام نوروز مقام معظم رهبری در سال ۹۱

- [۷]. سیاست راهبردی . محمد - انتشارات الهادی - چاپ دوم - زمستان ۱۳۸۳
- [۸]. بیانات مقام معظم رهبری در سال ۹۴
- [۹]. پیام نوروزی سال ۱۳۹۱ حضرت آیت الله العظمی حسینی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی.
- [۱۰]. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در اجتماع عظیم زائران و مجاوران حضرت ثامن الحجج، علی بن موسی الرضا(ع) در فروردین ماه ۱۳۹۱
- [۱۱]. گزارش پایش فضای کسب و کار، معاونت پژوهشی، مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹
- [۱۲]. فرهنگ دفاعی امنیتی - نوروزی. دکتر محمد تقی - انتشارات سنا - زمستان ۱۳۸۵
- [۱۳]. مدیریت کلان اقتصادی - منبع اینترنتی
- [۱۴]. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در اجتماع عظیم زائران و مجاوران حضرت ثامن الحجج، علی بن موسی الرضا(ع) در فروردین ماه ۱۳۹۱
- [۱۵]. صحیفه نور، جلد ۲۰، ص ۱۱۸. (نقل از سجادی، سید عبدالقیوم. ۱۳۸۶. «امام خمینی(ره) و جنبشهای اسلامی معاصر» فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۵)
- [۱۶]. صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۲۶۶. (نقل از سجادی، سید عبدالقیوم. ۱۳۸۶. «امام خمینی(ره) و جنبشهای اسلامی معاصر» فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۵)
- [۱۷]. خمینی، روح الله (۱۳۶۱). صحیفه نور. ۲۰. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. صفحه ۱۱۸.
- [۱۸]. پروانه، محمود (۱۳۸۸). "صدور انقلاب، به مثابه نقشه راه جهان گرایی دراندیشه سیاسی امام خمینی(ره)".
- [۱۹]. روزنامه کیهان، ۲۹ آبان ۱۳۷۹.
- [۲۰]. منبع اینترنتی [/https://farsi.khamenei.ir](https://farsi.khamenei.ir)
- [۲۱]. منبع اینترنتی [/https:// imam-khomeini.ir](https://imam-khomeini.ir)